

# کارگر کمونیست ۴۷

پنجشنبه، ۹ آذر ۱۳۸۵  
۳۰ نوامبر ۲۰۰۶

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar\_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

## کار در محلات

بخشهایی از مصاحبه شهلا دانشفر با اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی "سازمانده" در کانال جدید



شهلا دانشفر : اصغر کریمی مساله سازماندهی در محلات بحث مهمی است و چایگاه مهمی در امر سازماندهی مبارزات جاری دارد . در این زمینه میخواستیم صحبتی داشته باشیم. وقتی میگوییم سازماندهی محلات شما در حله اول چه تصویری درذهنتان

دارید؟ مساله سازماندهی در محلات پردازم ابتدا به مبارزاتی که در اصغر کریمی : برای اینکه به



کازم نیکخواه

## سخنی در مورد متشکل شدن و متشکل ماندن کارگران

به بهانه بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و تاسیسات

مواجهیم که دو خصلت را همزمان از خود نشان میدهد: از یک سو ما تحرکات بسیار مدرن و رادیکال و پیشرو شبیه اول مه ها و قطعنامه های ضد سرمایه داری و اعتصابات باشکوه و متحدانه و جنب و جوشهایی رادیکال در این سطح را شاهدیم، و از سوی دیگر کارگران از ابتدایی ترین تشکل توده ای خود برخوردار نیستند.

بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و تاسیسات غرب تهران که در همین روزهای اخیر منتشر شد، گوشه دیگری از جنب و جوش در میان کارگران برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری را به نمایش میگذارد. این تلاش ارزشمندی است و به این رفقای کارگر از جانب کارگر کمونیست شادباش میگوییم و برایشان آرزوی موفقیت و پیشروی داریم. این هنوز حرکتی در آغاز است. هنوز از جوانب و ابعاد این حرکت و اینکه چه بخشهایی از کارگران به این تشکل مربوطند و این انجمن دقیقاً چه اهدافی را دنبال میکند، و آیا راهکارهایی برای دخالتگری مستقیم توده کارگران در سرنوشت خویش و در سرنوشت این تشکل در دستور قرار گرفته شده است یا نه، اطلاع دقیقی در دست نداریم. اما هیچ تردیدی نیست که هر خشتی که کارگران برای متشکل شدن روی خشت بگذارند، ارزشمند است و باید آنرا تقویت کرد. ما در ایران با جنبش کارگری ای

کسی که از تاریخ و مسیری که جنبش کارگری در ایران طی کرده و یا جنب و جوش جدی و گسترده ای که هم اکنون برای متشکل شدن کارگران در جریان است بی خبر باشد، بعید نیست که این واقعیت یعنی نبود تشکل توده ای کارگران را دلیلی بر بی توجهی کارگران در ایران به امر تشکل و یا عقب بودن سطح فکری و فرهنگی کارگران ایران بداند. بعلاوه کم نیستند جریانان و نیروهایی که حتی از این تاریخ و جدال خونین کارگران برای متشکل شدن نیز بی خبر نیستند، اما نسخه مرحله بندی کردن جنبش کارگری را

## شگردهای تازه حکومت اسلامی را خنثی کنیم



ناصر اصغری

رژیم جمهوری اسلامی، این اواخر دست به اذیت و آزار فعالین کارگری به شیوههای نسبتاً تازه ای دست زده است. دو شیوه که اخیراً بیشتر مشاهده میشود در عین حال میتوان گفت ناتوانی رژیم و به بن بست رسیدنش در مقابله با جنبش کارگری را نیز آشکار میکند. شیوه اول، دادگاهی و احضار، و در واقع مرعوب کردن فعالین کارگری به دلیل به اصطلاح شکایات خصوصی از آنهاست! شاید مصاحبه سایت "شورا" با جوانمیر مرادی، رئیس "انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه" را خوانده باشید. مأموران اطلاعات ایشان را احضار می کنند و به او می گویند: "از شما به دلیل راهپیمایی روز جهانی کارگر شکایت شده است."

یا "به دلیل ایجاد اخلاص در نظم عمومی" محاکمه می شوید. این ظاهراً پزی است که رژیم این اواخر دارد می گیرید. مثلاً دستگیری صفحه ۳

## آیا سرمایه داران در ایران به تشکلهای کارگری نیاز دارند؟!



جلیل بهروزی

اگر کسی سوال فوق را از یک کارگر پرسد، قطعاً به سلامت عقلی سوال کننده شك خواهد کرد! آدم ادعای طرفداری از کارگر بکند و بعد از این ترهات سرهم کند؟ تا حال جایی را سراغ کرده اید که طبقه سرمایه دار به تشکل کارگری نیاز داشته باشد؟ شاید تازگیها از این طبقات در ایران پیدا شده و کارگران خبر ندارند! حتماً این هم از

محصولات جمهوری اسلامی است. در شماره ۱۷ نشریه ای بنام "به صفحه ۴

صفحه ۷

یاشار سهندی از ایران

صفحه ۳

## پیام به استثمارگران

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## بمناسبت روز ۱۶ آذر، روز دانشجو، از مبارزات دانشجویان

### حمایت میکنیم

اطلاعه ای از سوی بخش هایی از کارگران پتروشیمی

همین خواستههای مشترک ما و جنبش شماسست که همبستگی ما را ضروری میسازد.

در روز ۱۶ آذر دست در دست هم ، با صدای بلند ،



نه جنگ! نه بمب اتم! نه تحریم!

"نه! نه! به جمهوری اسلامی"



شعارهایمان را سر خواهیم داد و خواستههایمان را اعلام خواهیم کرد.

به امید برگزاری هر چه باشکوهتر مراسم های روز ۱۶ آذر

قطعنامه های این روز ، حمایت از مبارزات کارگری و جنبش کارگری بوده است . به تبع وجود چنین همبستگی ای ، ما نیز خودمان را در کنار دانشجویان و جنبش عظیمشان میدانیم و حمایت قاطع خودمان را اعلام میداریم .

دوستان دانشجو

ما کارگران ، بخوبی میدانیم که خواستههای جنبش دانشجویی ، همانا ریشه در خواستههای ما کارگران دارد . خواست آزادی و برابری ، خواست حق داشتن تشکل ، خواست آزادی زندانیان سیاسی ، خواست داشتن زندگی انسانی ، خواست نه جنگ و نه بمب ، خواست برابری زن و مرد و خواستههای دیگری که شما سال گذشته در ۱۶ آذر مطرح کرده و به جامعه اعلام کردید ، همگی خواستههای ما نیز هست .

بدینوسیله ، ما تعدادی از فعالین کارگری و کارگران شاغل در پتروشیمی های فن آوران ، پتروشیمی فجر ، پتروشیمی مارون ، پتروشیمی رازی ، پتروشیمی بندرامام ، طرح پتروشیمی اروند از مبارزات دانشجویی و بویژه تجمع های دانشجویان در تمامی دانشگاهها حمایت میکنیم. جنبش دانشجویی ، همیشه یکی از جنبشهای مهم در مبارزات اجتماعی مردم ایران بوده و این جنبش در چند سال گذشته یکی از حامیان اصلی جنبش کارگری به حساب میآمده است . همین سه سال قبل بود که در روز ۱۶ آذر دانشجویان مبارز و انقلابی دست به کار بزرگی زده و پلاکارد حمایت از مبارزات کارگران پتروشیمی ها را بلند کردند . این شروع کار بود . در سالهای بعد یکی از بند های



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar\_komonist@yahoo.com

Fax: 001 309 404 1794

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser\_asgary@yahoo.com

جلیل بهروزی

jalil1917@yahoo.com

شها دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan\_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

### تلویزیون انتر ناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Frequency: 11494 MHz

Symbol Rate: 17469

FEC: 3/4

Vertical

### راديو انتر ناسیونال

شماره تلفن: 00467070656362

شماره پیامگیر:

004686590755

جمعه ۳ آذر ۱۳۸۵ - ساعت ۹ شب تهران

طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵

کیلوهرتز

## پیام به استثمارگران

یاشار سهندی از ایران

مزدوران سرمایه که خوابشان از تحرك طبقه کارگر آشفته شده بار دیگر به رهبران و فعالین کارگری حمله برده و آنها را به زندان انداختند. در کمین نشستند و اسانلو را ربودند که شاید آشفتگی خیالشان را بر طرف شود.

کسانی که دستگیر و ربوده شدند جرمشان این است که فعال کارگری هستند. این از آن جرمهایی است که از دید حکومت سرمایه داری بزرگترین جرمهاست. شاید بتوانند با یک جاسوس دول خارجی کنار بیایند یا با فلان درجه دار کودتاچی، اما نمی توانند با کسانی که سود سرمایه را تهدید میکنند کنار بیایند. نمیتوانند با کسانی کنار بیایند که میگویند: همه حق زندگی دارند و بی چیزان همه چیز کردند. نمی توانند با کسانی کنار

بیایند که از توده مردمی دفاع میکنند که همیشه خدا شکمشان گرسنه است و برای لقمه نانی مجبورند هستی شان را در خدمت سود سرمایه فنا کنند. از مردمی دفاع میکنند که زندگی می آفرینند و خود محکوم به محرومیت و فلاکت هستند. با این دست از انسانها نمی توانند کنار بیایند که خود را نماینده طبقه کارگر معرفی میکنند. طبقه ای که سرنوشت جامعه بشری برای بهروزی و یک دنیای بهتر به اقدام او بسته است. این، نه حکم جبر تاریخ که این حکم طبقه کارگر است که با تحرك چند ساله اخیر خود تصمیم به اجرای آن گرفته.

این حکم طبقه ای است که برایش هر روز خدا قانون وضع میکنند تا او را بیشتر و بیشتر در گرسنگی

## شگردهای تازه حکومت اسلامی ... از صفحه ۱

منصور اسانلو هم گویا بدلیل به اصطلاح "شکایت شورای اسلامی" از ایشان بود. و یا محاکمه محمود صالحی هم گویا بدلیل شکایت فردی به اسم "عطا" صورت می گیرد. خود کارگران می دانند موضوع از چه قرار است. تعدادی جرأت کرده و در برابر زورگویی های اسلامی، مردم را مورد خطاب قرار می دهند و از کارگران می خواهند که متشکل شوند و مهمتر اینکه راه نشان می دهند.

یک شیوه مقابله با جنبش کارگری دیگری نیز که در همین راستا باید مورد توجه قرار بگیرد، فشار بی حد و حصر رژیم به فعالین کارگری برای حداقل ترک ایران است. رژیم می داند که چه کسانی از رهبران کارگری و یا جنبش های اعتراضی دیگری هستند؛ و دیگر مثل دهه های شصت نمی تواند دسته دسته از این رهبران را به جوخه های اعدام بسپارد و با انتشار مشخصاتشان جامعه را مرعوب کند. امروز بر عکس، رژیم در خفا، با بهانه های شیوه های مختلفی - و نه ضرورتا اسلامی - این رهبران و فعالین جنبش های اعتراضی را زیر

غوطه ور سازند تا او حتی نتواند به يك ساعت بعد خود فکر کند چه رسد به دنیای پر از سعادت و خوشبختی. اما با این حال کسانی هستند مثل اسانلو که از خواب و خوراکی که ندارند میزنند، جانشان را در معرض تهدید نیستی قرار میدهند تا توده مردم کارکن جامعه به آسایش برسند که شایسته آن هستند. و این برای سرمایه داران و حکومت آنها و مزدوران امام زمانی اش بسیار گران آمده است. اسانلو را تهدید کردند، زبانش را بریدند و به زندان انداختندش تا شاید جلو حرکتی را بگیرند که اسانلو و همکارانش چند هزار انسان زحمتکش را در تشکیلاتی سازمان دادند بگیرند. نه تنها نتوانستند بلکه این کارگران از سوی هم طبقه ایهایشان در سراسر کره زمین مورد حمایت قرار گرفتند. تشکیلاتشان را دولت سرمایه دار برسمیت نمیشناسد، بگذار

محاکمه و زندانی کنند. و یا اینکه جرأت نمی کند به کسی بگوید که شما متشکل غیردولتی تشکیل داده اید و ما شما را زندانی می کنیم. این را جامعه متوجه است. اما هنوز کاری بر علیه اش انجام نگرفته است.

هدف اصلی رژیم از این کار البته به عقب راندن اعتراضات تعرضی کارگران و ایجاد جو رعب و وحشت در بین خانواده فعالین کارگری است که کس دیگری به خود جرأت این کارها را ندهد. این مشکل فقط مشکل جوانمیر مرادی، منصور اسانلو، محمود صالحی و خانواده های آنها نیست. مشکل کل جامعه است. مطالباتی را که امروز طبقه کارگر از زبان رهبران کارگری بیان می کند، مطالبات فقط کارگران نیست. اعتراض به بیکاری، به عدم پرداخت دستمزدها، اعتراض به حضور نیروهای نظامی در محیط کار و دانشگاه، اعتراض به عدم ایمنی محیط کار، اعتراض به آپارتاید جنسی و سنگسار و غیره، مطالباتی است که اگر ما امروز فقط از زبان بخشی از فعالین کارگری می شنویم، اما در واقع خواسته های کل جامعه است. بقول جوانمیر مرادی اگر خواستن يك زندگی انسانی اخلاکداری

نشناسد. اصلا چه لزومی دارد که تشکیلات کارگری را سرمایه داران و دولتشان برسمیت بشناسند؟ اینها فقط يك چیز را برسمیت میشناسند و آنهم سود است و بس. این تشکیلات اما، از سوی تشکلات بین المللی کارگری برسمیت شناخته شده است و این برای دولت مفتخوران بسیار ناگوار است و این را هیچ کاری نمی تواند بکند. مانند حیوان زخم خورده به رهبران تشکلات کارگری حمله میبرد تا شاید آب رفته را به جوی باز گرداند.

به استثمارگران میگوییم: این مسیری که پیموده شده است برگشت پذیر نیست. گفتاران! شما شاید بتوانید اسانلو را در هم بشکنید، اسانلو نشان داده است که تاکنون توانسته این فشار خرد کننده را تحمل کند. شاید بتوانند اسانلو و دیگر فعالین را در زندان نگه دارند. اما این جنبشی که به حرکت در آمده است را

محسوب می شود، کل جامعه اخلاکداری است. رهبران کارگری، چهره های سرشناس جامعه شده اند و باید جامعه از آنها دفاع کند. اما آنچه که مهم است و باید به آن پرداخت، خود این اتفاق - یعنی حمایت جامعه از فعالین کارگری - در يك خلاء و بدون رجوع فعال به جامعه، اتفاق نخواهد افتاد؛ مگر اینکه همین رهبران کارگری دست اندرکار سازماندهی مبارزات کارگری، جامعه را مورد خطاب قرار بدهند و این دسایس اسلامی را نیز افشا بکنند.

به نظر من فعالین کارگری به این امر واقفند، اما هنوز فکری اساسی برای آن نکرده و یا گامهای عملی برای برطرف کردن آن برداشته نشده است. در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد و یا مبارزات این اواخر کارگران ۵ مرکز کارگری در سنج، مردم وسیعا از این کارگران حمایت کردند، اما يك حمایت بی سازمان که بسیار شکننده است. همچنانکه این فعالین توان بسیج کارگران و فراخوان مجامع عمومی کارگری را دارند، توان بسیج محلات و شهرها را نیز دارند. باید محلات و شهرها را بر علیه این زورگویی های جمهوری اسلامی سازمان داد. "انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه"،

نمی توانند متوقف کنند. جنبشی متعلق به میلیونها انسان، متعلق به طبقه اصلی جامعه طبقه کارگر، جنبشی از جنس کمون پاریس و اکتبر ۱۹۱۷ است. به استثمارگران وعده میدهم کاری خواهیم کرد که شنیدن نام کارگر دیگر در ذهن شما اینگونه تداعی نشود که میشود او را به هر شکلی استثمار کرد. بلکه شنیدن نام کارگر و طبقه کارگر برای شما اینگونه تداعی شود که دیگر استثمار بس است، بس است تحقیر انسانها به جرم اینکه کارکن جامعه هستند. به استثمارگران وعده میدهم که دوران خوش کسب فوق سود دارد به سر می آید و آشفتگی خیالشان تداوم می یابد.

رهبران کارگران آزاد باید گردند.

زنده باد جنبش کارگری

آزادی برابری حکومت کارگری

"سندیکای کارگران شرکت واحد"، "کمیته پیگیری" و امثال این تشکلهای باید واحدهائی را برای این کار منظور و مأمور کنند. مطمئنا راههای دیگری نیز هست که فعالین و محافل کارگری خود بهتر آنها را با شرایط ویژه خود تشخیص می دهند.

در يك کلام اعتصاب و تحصن فقط يك وجه از مبارزه کارگری است؛ که اگر با وجوه دیگر، نظیر ایجاد صندوق اعتصاب، رجوع به جامعه، دخیل کردن خانواده های کارگری و غیره همراه نباشد، ضعیف و شکننده است. ما بخصوص در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد دیدیم که چه پتانسیلی در جامعه حاضر است که به کمک اعتصابیون بشتابد، اما خود رهبران و فعالین کارگری - نه لزوما فقط فعالین سندیکای شرکت واحد - به این امر توجه خاصی نکردند و این بی توجهی به جامعه، ضربه مهلکی را متوجه اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت واحد کرد.

رهبران و فعالین کارگری باید از تجارب خود در این باره - چه تجارب نا موفق و چه موفق - بگویند و رهبران جواتر و تازه وارد این عرصه را برای نبردهای پیش رو آماده تر کنند.\*

## آیا سرمایه داران ...

از صفحه ۱

پیش" که به نظر میرسد مقاله ای از ایرج آذین باشد و یا نویسنده ای که تزه‌های مشعشع او را قورت داده است، عین این حکم آمده است، توجه کنید "آنچه امروزه و در این میان تازگی دارد نیاز سرمایه داری به مثابه یک طبقه اصلی در ایران نیز به شکل یابی کارگران است".

نشیده بودیم که طبقه حاکمه و دولت‌ش به پای تشکلهای زرد کارگری می‌رود و یا باندهای سیاه را بعنوان تشکل کارگری سازمان میدهد! کاری که هم رژیم شاه و هم جمهوری اسلامی در آن کم نیاوردند. آن هم به این خاطر که با تشکلهای کارگری موجود به مقابله برخیزند و یا تلاش کارگران برای ایجاد تشکلهای توده‌ای را درهم شکنند. (تازه کسی این نوع سازمانها را "تشکل کارگری" نمی‌نامد). اما نشیده بودیم که طبقه سرمایه دار به تشکل‌یابی کارگران نیاز داشته باشد. گفته بودند سرمایه داری با ایجاد کارگر گورکنان خویش را بوجود می‌آورد ولی نگفته بودند که برای گورکنانش حتی ابزار مبارزه شان را هم ایجاد میکنند و یا به چنین ابزاری نیاز دارد.

در شرایطی که کارگران در ایران تلاش و جنبازی وسیعی را جهت متشکل کردن و متحد کردن خود آغاز کرده‌اند و تا حدودی هم به نتایجی رسیده‌اند، عده ای در این وسط تئوریهایی از این دست که "تشکلهای کارگری و ایجاد انواعی از آن امروز امر ضروری طبقات اصلی در اقتصاد ایران است" و یا این که دولت امریکا و سازمان سیاه با شل کردن سر کیسه در صدد فاسد کردن فعالین جنبش کارگری در ایران است، هوا میکنند. مسخره تر از این نمیتوان تر به خورد کارگر داد. سرمایه دار در ایران تمام موجودیت اش در بی ثباتی است. حاکمیتی که بیش از ۲۰ سال از طریق سرنیزه خواسته ثبات حداقلی را برای آن تامین کند در لبه پرتگاه است. تمام احزاب و نیمه احزاب سرمایه داران حتی نمیتوانند تاکتیک تا فردای خود را تعیین کنند، در این حیث ویس یکی بیاید بگوید طبقات اصلی جامعه یعنی هم سرمایه داران و هم کارگران به تشکل کارگری نیاز دارند، آدم بلاواسطه اگر به شعور طرف شک نکنند به عوام فریب بودنشان بطور قطع رای خواهد داد،

آدم فکر میکند شاید اینها در مورد یک سرمایه دار ابله که حتی منفعت خودش را هم تشخیص نمیدهد، صحبت میکنند!! و اگر این طور است چه بهتر کارگران بروند با سرمایه داران جهت زدن چنین تشکلهایی متحد شوند. به هر حال این بهتر از بی تشکلی است.

بسیار این جملات را از نویسنده این مطلب که خود را صاحب نظر مسائل کارگری میدانند بخوانید و بعد قضاوت کنید، "اکنون اما با قوی شدن سرمایه داری از لحاظ اجتماعی و سیاسی و تامین اهدافش در راستای ایجاد نهادهایی مدنی، قبل از هر چیز نیاز حیاتی به ایجاد نهادی نیز در میان جامعه کارگری دارد و آن هم در رشته‌هایی که بیشترین سودبری را برای سرمایه دار بردارد، البته در این راستا و جهت اداره جامعه، سرمایه داری امکان مناسبتی از دست بردن به ارگانهای موجود در رژیم اسلامی حاضر و تغییراتی در آن ندارد". کسی که این حرفها را میزند گویی این که نه از سرمایه داری میدانند و نه از تضاد منفعت طبقاتی و نه از جنبش کارگری و نه از شرایط جامعه در ایران، ولی فی الواقع اینطور نیست. طرف خوب هم میدانند ولی خود را به نادانی می‌زنند. باور کنید این را

یک سرمایه داری که میخواهد مالش را به آتش بکشد نیست که میگوید. این را کسانی میگویند که پیشاپیش تئوری "قوی شدن سرمایه داری از لحاظ اجتماعی و سیاسی" در ایران را داده‌اند و آن هم سرمایه داری که به فکر تشکلهای کارگری است و بعد خود میخواهند این نقش را در جنبش کارگری ایفا کنند. از کیسه خلیفه هم میبخشند. خود سرمایه دار در ایران به سختی خود را سرپا نگهداشته است. ولی یک عده ای هر از چند گاهی به نام کارگر میخواهند با سبلی صورتش را سرخ کنند و برایش آبرو بخرند. اگر کسی ریگی به کفش نداشته باشد میدانند که کارگر تشکل میزند تا حق و حقوق خود را از حلقوم سرمایه دار درآورد. تاثیر بلاواسطه هر مبارزه و پیروزی کارگر کاهش دادن سود سرمایه دار است. این را هر کارگر تازه از روستا آمده هم میدانند. حالا سرمایه دار ایرانی آن هم در جمهوری اسلامی که قرار نیست هم سرنگون بشود آنچنان دست بخشش و رفرمش بالا است که میخواهد برای کارگران تشکل بزند، ما که تا حال دیدیم اینها چه تشکلی خواهند زد. شوراها اسلامی و انجمنهای اسلامی که هنوز حی و حاضرند. ممکن است در شرایط یک

کشور با سرمایه داری پیشرفته و به خاطر زور طبقه کارگر، حکومت سرمایه داران تشکلهای کارگری را قانونی کند، نمایندگان سرمایه یابی مذاکره با کارگران بنشینند، و یا رفرمیسم و کنار آمدن با سرمایه داران در این تشکلهای رخنه کند و آن هم بر متن یک رفاه عمومی و سودهای باد آورده ای که سرمایه داران از کشورهای دیگر حاصل میکنند. اما این که سرمایه دار بعنوان یک طبقه نیاز حیاتی به وجود تشکلهای کارگری دارد، یک حکم من درآوردی است که اول از همه بی ارزش کردن همین تلاشهای کارگران برای متشکل شدن را هدف قرار داده است و ثانیاً منحرف کردن مبارزات کارگران در بهترین حالت را. کسی که فکر میکند سرمایه داران به تشکل کارگری نیاز دارند و ایجاد آن را تشویق و یا راسا در دستور خود گذاشته‌اند، هدفی جز تلطیف سرمایه داری و راحت الهضم کردن این نظام استثمارگر، بیرحم و سود جو ندارد. حتی اگر طرف بخواهد از سر دلسوزی حرف بزند، اما یک چیز مسلم است و آن این که کسی جدی اش نخواهد گرفت. \*

است. از شما میخواهیم که اخراج کارگران افغان، این سیاست ضد کارگری را محکوم کرده و به هر طریقی که صلاح میدانید، اقدامات خودتان را در این زمینه بانجام رسانید.

زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران جهان  
مرگ بر نظام سرمایه داری  
1/9/85

### یک دنیای بهتر

## برنامه حزب کمونیست کارگری

### را بخوانید

ملی را جایگزین نفرت طبقاتی از نظم موجود کند. ما بخوبی میدانیم که این سیاستها در شرایط امروز ایران و با پیشرویهایی که جنبش کارگری داشته کارساز خواهد بود. ما فعالین مجتمع های بالا در محلهای کار خود شاهد حمایت از شما کارگران افغانی و محکومیت این سیاست ضد انسانی هستیم.

در کنارشان هستیم. سازمانها و احزاب کارگری در سراسر جهان

ما کارگران مجتمع های فوق الذکر، اعلام میکنیم که سیاست اخراج کارگران افغان، سیاستی ضد انسانی، ارتجاعی و راسیستی است

## اخراج کارگران افغانی محکوم است

طبقه کارگر جهانی میدانیم.

دوستان کارگر افغانی

کارگر و سیاست کارگری اصولی و انقلابی، افغانی و ایرانی نمیشناسد. دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی میخواهد با اعمال این سیاست به کارگران ایران بگوید که بیکاری و فقر، نه ناشی از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی نظام

سرمایه داری، بلکه وجود کارگر افغانی در ایران است و بدینوسیله شما را در برابر ما قرار دهد و نفرت

بدینوسیله ما تعدادی از فعالین کارگری و کارگران شاغل در پتروشیمی های:

- پتروشیمی فن آوران
- پتروشیمی فجر
- پتروشیمی مارون
- پتروشیمی رازی
- پتروشیمی بندرامام
- طرح پتروشیمی اروند

سیاست اخراج کارگران افغانی از ایران را محکوم میکنیم و این سیاست را سیاستی ارتجاعی، ضد انسانی، ضد کارگری و بر علیه

## زنده باد جنبش مجمع عمومی!

## کار در محلات ...

از صفحه ۱

محلات میتواند شکل بگیرد اشاره میکنم. طبعاً نه تنها در ایران بلکه در خیلی از کشورهای دیگر تجارب زیادی در این زمینه هست که باید این تجربیات را آموخت. اگر دوره انقلاب ۵۷ در ایران را نگاه کنیم، بطور مثال در تهران بسیاری از حرکات اعتراضی در محلات اتفاق می افتاد. این اعتراضات نیروهای رژیم را عاجز کرده بود. جوانان در محلات جمع میشدند، شعار میدادند و کاری میکردند. یا در همین ۱۸ تیر سه سال پیش یادم هست که به مدت سه، چهار هفته هر شب شلوغ بود و محلات معینی مثل امیر آباد، تهران پارس، میدان محسنی و یا جاهای مختلف مرکز این تظاهرات بودند. یابا فرض در محلات مختلفی میبینیم که مردم بر سر مسائل مختلف رفاهیشان مثل مساله آب، برق، آسفالت و غیره اعتراضاتی دارند و یا ماموران جمهوری اسلامی در گیر میشوند. بعضی محلات که خارج محدوده تعریف شده است. يك موضوع دائمی اعتراض در چنین محلاتی حمله نیروهای انتظامی و مامورین شهرداری برای تخریب منازل ساکنین آن محلات است و ما شاهد بوده ایم که مردم با تمام قدرت در مقابل این تهاجمات ایستاده اند. بدین ترتیب اگر دقت کنیم میبینیم که محلات بيك معنی اهمیت زیادی دارد و در بسیاری اوقات مرکز مبارزات مهمی بوده است. از سوی دیگر همواره ما با اعتراض در مراکز کار در کارخانجات، مدارس، دانشگاهها و غیره روبرویم. ولی بلاخره همه مردم در محلات تجمع دارند و زندگی میکنند و مسائل مشترکی دارند و اکثر همان مردم زحمتکش و محروم که در فلان کارخانه و یا دانشگاه و مدرسه اعتصاب میکنند، در محلات کنار هم هستند. به عبارت دیگر در هر محله ترکیبی از مردم زندگی میکنند

بفرض منطقه ای را میبینیم در جاده کرج که اساسا کارگران در آنجا در يك محل مستقر هستند. چرا که کارگران عمدتاً بخاطر ارزانتر بودن کرایه منزل بیشتر اوقات در حاشیه شهرها زندگی میکنند. و بدین ترتیب می بینید که در یکجا و در يك محل جمع شده اند. خود بخود اینگونه محلات بیشتر به مسائل مستقیم محل کل و اعتراضات کارگران در کارخانه وصل میشوند. در رابطه با اینگونه محلات چه نکات بیشتری را مینوان خاطر نشان کرد؟

اصغر کریمی: در چنین محلاتی یکی از مشکلات مهم محرومیت مردم از امکانات رفاهی است. در واقع زندگی در خارج از محدوده به این کارگران تحمیل شده است. بارها مامورین شهرداری آمده اند تا خانه های مردم در آن محلات را خراب کنند و با مبارزه مردم روبرو شده اند. یا اگر خراب شده است دوباره مردم با اتحاد و همبستگی خود از نو خانه هایشان را ساخته اند. جنایتی آشکار از سوی رژیم که نه تنها برای مردم در این مناطق امکانات زیستی فراهم نکرده است بلکه حتی آلودگی ها و کلبه هایشان را تخریب کرده است. بطور دائم پای بولدوزر و شهرداری در میان بوده و مقامات و نیروهای انتظامی آمده اند و مردم را مورد اذیت و آزار قرار داده اند. اما در بسیاری از این مناطق مردم توانسته اند با يك کشاکش و جنگ اسکان خود را به رژیم تحمیل کنند و به زندگی خود در آلودگهایشان ادامه داده اند. منتها امکانات زیستی در این محلات بسیار پایین است. مردم بطور جدی با مشکل بی آبی، بی برقی، آسفالت، مدرسه، در مانگا، و حداقل امکانات شهری روبرو هستند. بطور واقعی در چنین محلاتی که مردم با چنگ و دندان و با حمایت از یکدیگر توانسته اند سرپناهی برای خود داشته باشند، اتحاد و همبستگی بین مردم بسیار بالاست. بنابراین چرا مردم در این محلات سازمان ندارند؟ چرا نمایندگان

خود را ندارند تا بتوانند برای بهبود شرایط زندگی شان کاری کنند؟ چرا در هر محل نماینده ندارند و چرا سازمان ندارند؟ این مردمیکه ده هزار و بیست هزار و گاها پنجاه هزار و صد هزار توی محله ای زندگی میکنند اما هیچ سازمان و تشکیلاتی ندارند و هیچکس نمایندگیشان نمیکند. در نتیجه این مردم هم معترضند ولی نمایندگی نمیشوند. معترضند ولی نمیتوانند متحد کاری کنند و معترضند ولی سازمان ندارند. در نتیجه این مبارزاتشان به هرز میرود و کمتر بجایی میرسد. در حالی که اگر به انواع و اقسام مختلفی خودشان را متشکل بکنند و موقع مذاکره و صحبت حول مشکل بی آبی و غیره نمایندگانشان را انتخاب بکنند و بفرستند و سپس نمایندگانشان بیايند و گزارش دهند آنوقت کم کم میبینید که يك تعدادی از اشخاص پیدا میشوند که سرشناس شده اند و يك تعداد آدم یافت میشود که مورد اعتماد هستند و بلافاصله اینها میتوانند بهنگام رخ دادن اتفاقی سوت بکشند و مردم هم فوراً جمع میشوند و میروند و اعتراض میکنند. آنوقت جمهوری اسلامی نمیتواند هر اجحافی در حق اینها بکند. مطمئناً وادار میشود و آب محل را میکشد و برق محل را درست میکند و مدرسه میسازد و درمانگاه میگدارد و آسفالت محل را حل میکند. در عین حال همانطوریکه شما اشاره کردید اینها بطور دائم به مسائل کارخانه وصلند. این نیروی زیاد کارگرانی که در محلات هستند بیايند گزارش بدهند از مردمی که در محل کار ما هستند خواسته هایشان چیست و کل مردم بسیج بشوند حول دستمزد، حول مبارزه با اخراج، مبارزه با ناامنی محیط کار ندادن دستمزد و همه مسائل محل جمع بشوند و میتینگ بگذارند و تظاهراتی بکنند و بروند جلوی شهرداری و جلوی استانداری و جلوی جاهای مختلف دیگر و دست به اعتراض بزنند. اینها عرصه هایی

مهم و دریایی از کار و فعالیت در حل مسائل محله ای ویژه در این محلات را تشکیل میدهد.

شهلا دانشفر: يك چنین محلاتی طبعاً بهترین محیط و فضای است برای خبر رسانی، برای کشاندن اعتراض به سطح جامعه، برای مطلع کردن اعتراض در يك کارخانه و حتی به کارخانجات دیگر، و برای شکل دادن و يك همبستگی وسیع کارگری در بین کارخانجات مختلف. و حتی برای سازمان دادن اعتراضات همزمان کارخانجات يك منطقه. بفرض منطقه کرج که تعداد زیادی کارخانجات در آنجا هست. خب اینها که در يك محلاتی ساکن هستند از این طریق میتوانند انتقال خبر بکنند، از این طریق میتوانند همبستگی جلب کنند، از این طریق میتوانند اعتراضاتشان را همزمان سازمان بدهند و از این طریق میتوانند صندوق اعتصاب تشکیل بدهند (اصغر کریمی: و اعلامیه های کارگری را پخش کنند) و به این ترتیب میتوانند حتی در يك سطح پیشرفته تری بروند بسمت سازماندهی شوراهای منطقه ای کارگری. من خاطرم است که در انقلاب ۵۷ خودم یکی از کسانی بودم که شوراهای منطقه ای شرق تهران را شکل دادیم و اساساً مبنای شکل دادنش همین آشنایهای محلی بود. با تعدادی از کارخانجات مختلفی که در محل بود آشنایی پیدا کردیم و بعداً سعی کردیم آشنای بیشتری هم پیدا کنیم، سعی کردیم به کارخانه بلر که تا آنجایی که یادم است در جنب نیروی هوایی بود برویم و در کارخانجات مختلف میرفتیم سراغشان (اصغر کریمی شما حافظه خوبی دارید بعد از هفتاد هشتاد سال مبارزه! خنده هردو) و بدین ترتیب ما توانستیم شوراهای منطقه شرق تهران را درست کنیم و به کارخانجات يك محله ای وصل بشویم و همه این چیزها میخواهم بگویم که محلات بدین اعتبار به محیط کار وصل هستند. حتی میتوانیم اعتراضات کارگری را

# به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

## کار در محلات ...

از صفحه ۵

شکل بدهیم و برویم به یک شکل پایه ای تری از سازمان. اصغر کریمی: راستش اینها نکات خیلی مهمی هستند و الان بیشتر می بینیم که این بحث چه بحث وسیع و همه جانبه ای است که باید رویش کار بیشتری بشود و فعالین حزب کمونیست و کارگران پیشرو بنظرم به این امر که معمولاً کم توجه شده از حالا توجه خیلی خیلی بیشتری بشود. دائم باید روی این مساله و این جنبه کار بشود و همین برنامه های "کارگران و یک دنیای بهتر" و برنامه سازمانده و تلویزیون نقش بیشتری باید داشته باشند و بیشتر باید روی این مسئله نیرو بگذاریم و کار کنیم و صحبت داشته باشیم: ببینید معلمی که در مدرسه است و هزار درد و ناراضی و ناراحتی دارد باید خیلی راحت تر بیاید و جمعهای باید باشد که بتواند صحتهایش را طرح بکند و ناراضی و مسائلش را در میان بگذارد. همینطور پرستاری که در جایی کار میکند و در همین محلات زندگی میکند باید بتواند بیاید و مشکلاتش را با مردم مطرح کند و مردم هم دوش بدوش آنها و در کنار آنها، در مشغله ها و مشکلات کاری اش یکی شوند و سعی کنند از خواسته هایش و از مسائلش حمایت کنند. آن پرستاری که می آید و می

بیند که مردم بطور یکپارچه در جمعهایی که صحبت میکنند درکش میکنند و مسائلش را میفهمند و حاضرند که پشتیبانی بکنند از خواسته هایش، و اعلامیه و اعتراضش را که با تمام خواسته هایش در قطعنامه ای نوشته اند حاضرند که وسیعاً پخش کنند و حاضرند که در یک تجمعی در دفاع از آن شرکت کنند طبعاً روحیه میگیرد و اعتماد بنفس پیدا میکند و شکاف بین مردم و چشم هم چشمی ها و رقابتهای و اختلافات کم کم کنار زده میشود و مردم در این زمینه یکپارچه میشوند. میخوام بگویم که بخشهای مختلفی از مردم و نه تنها کارگران که در یک کارخانه میکنند بلکه پرستاران و معلمین و کارمندی که برای اجحاف میشود باید بتوانند دوش بدوش هم کار کنند. خاصیت محله اینست که دیگر مثل کارخانه نیست که کارگران یک کارخانه اند بلکه اینجا معلم و دانش آموز و دانشجو و پرستار و کارمند و کارگر همگی میتوانند حول دردهای مشترکی که دارند و مسائل مشترکی که دارند توی جمعهای مختلف کنار هم جمع شوند. و اینجا من اشاره میکنم اما هرچند ممکن است که الان بحث این نیست ولی میخوام بگویم حتی حوزه های کمونیستی و حوزه های حزبی هم که تشکیل میشود

ترکیب متنوعی دارد که در این حوزه ها میتوانند راجع به مدرسه و دانشگاه، نداشتن آب و برق تا مسائل کارخانه، همینجور راجع به همبستگی بین محلات و کارخانه های مختلف بحث کنند و صحبت کنند.

شهلا دانشفرو: دقیقاً. بویژه وقتی که اعتصاب سراسری اعلام میشود مثلاً از سوی معلمان و پرستاران و یا شرکت واحد، خب این بهترین جا است که محله را که بخشی از آن جامعه است از حرکت خود مطلع کند. بنابراین یک همبستگی گسترده ای را سازمان دهند. بنابراین روشن است و مشخص میشود که چه جنبه های وسیع و چه ابعاد کلانی در ساماندهی محلات است. تا اینجا نکات زیادی مطرح شد و این نکات اساساً مسائل زیاد و متنوعی را در دستور ما قرار داده است. من فکر میکنم در برنامه های دیگر هم راجع به آن باید صحبت کنیم. بعنوان یک جمع بندی خب حوزه های حزبی و جمعهای حزبی و فعالین کمونیست و فعالین حزبی نقش اساسی دارند در شکل دادن به یک چنین قفل و انفعالی در محلات. در این زمینه شما چه فکر میکنید و چه تاکیدات بیشتری دارید؟

اصغر کریمی: اولین مسئله اینست که همان مردم، همان توده های عادی مردم که ناراضیاتی دارند از اینهمه اجحاف که یک زندگی مشقت باری به آنها تحمیل شده همانها هستند که

موضوع کار ما هستند و همانهایی هستند که باید کمونیستهایی باشند که در حوزه های حزبی دارند شرکت میکنند. حوزه های حزبی مال آدمهای خیلی خاصی نیست مال آدمهای خیلی ویژه ای نیست بلکه هرکس که به ریشه این دردها و مشقات دارد پی میرسد و خواهان یک زندگی برابر و سوسیالیستی و انسانی است، خواهان یک نظام استشار و سرمای داری نباشد باید بتواند و آماده است و در یک قدمی تبدیل شدن به یک کمونیست دوآتشه و پرشور و یک عضو حزب است. بنابراین خود تعداد کسانی که میتوانند در حوزه شرکت کنند باید فرض کنیم که لااقل پتانسیل و زمینه اش هست که همین آدمهای خیلی زیادی باشند و همین زنان و مردان و دختران و پسران که در همین محلات زندگی میکنند و ترکیب متنوعی که اشاره کردیم، از معلم تا پرستار و تا جوان و تا دانشجو و تا کارگری که بیکار است و یا شاغل کارخانه است تا زن خانه داری که در این محل دارد زندگی میکند. من فکر میکنم کارهای خیلی متنوعی میتوانیم بکنیم. هر کمونیستی که توی محله است قاعدتاً دوستان و آشنایان زیادی دارد و باید با تلاش دائمی سعی کند که توجه اینها را به برنامه های تلویزیون کانال جدید جلب کند و سع کند که نشریات حزب را بخوانند و کتاب مانیفست مارکس و انگلس را باید پخش کرد و دنیای بهتر

را باید پخش کرد و کم کم سر کمونیسم و سر مذهب بحث کرد. سر دفاع مذهب از نابرابری باید بحث بشود و صحبت بشود و دانما میبینیم که یک عده واقعا دارند کمونیست میشوند و آمادگی پیدا میکنند که در حوزه های حزبی محل زندگی و در حوزه های حزبی شرکت کنند. خود حوزه ها هم بسهم خودشان میتوانند نقش تعیین کننده ای در بهم بافتن محل داشته باشند. هر حوزه ممکن است که سه تا کار در دستورش بگذارد و بتدریج میبینیم که روحیه محل دارد تغییر میکند.

شهلا دانشفرو: همانظوری که شما تاکید کردید در واقع فعالین حزبی، کمونیستها و حوزه های حزبی که در واقع تشکل اینهاست و اینها هستند که تضمین کننده یک چنین فعل و انفعالات حزبی در محل هستند و تضمین کننده یک روابط پیشرفته و مدرن و انسانی در محل هستند میتوانند کانونهای مبارزه را در محل شکل بدهند و میتوانند در راس اعتراضات قرار بگیرند. و بدین معنی مهم است. به همین اعتبار نقش حوزه های حزبی در محلات خیلی مهم است. این بحث مهم است و ما یک برنامه دیگر هم باید در مورد آن داشته باشیم.

( از ناصر احمدی به خاطر پیاده کردن متن این مصاحبه برای کارگر کمونیست تشکر میکنیم )

## باید برای همیشه به سرکوب اعتراضات بر حق کارگران و آزار و اذیت رهبران و فعالین کارگری پایان داد

مدت دو هفته از محکومیت محمود صالحی و جلال حسینی به زندان نگذشته بود که حکم احضار جوانمیر مرادی به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه به وی ابلاغ شد. به فاصله چهار روز از احضار جوانمیر مرادی به دادگاه، منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در حالیکه مشغول خرید نان بود توسط نیروهای امنیتی با توسل به خشونت، بازداشت و به زندان اوین منتقل گردید، طی این تهاجم غیر

انسانی به رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نیز در اعتراض به نحوه بازداشت منصور اسالو با شلیک تیر هوایی توسط ماموران مورد تهدید قرار گرفته و بشدت با ضرب و شتم مامورن امنیتی مواجه گردید. این اقدامات ضد کارگری در حالی صورت میگیرد که ظرف مدت دو ماه گذشته کارگران پوریس و فرش البرز نیز سرکوب شده و

کارگری در گمرگ بندر دلم، مغزش بر اثر اثابت گلوله نیروهای انتظامی به طرز جیغی از هم پاشید. بدینوسیله ما ضمن ابراز تنفر عمیق از وقایع رخ داده، خواهان تحقق فوری خواسته های زیر بوده و از همه مقامات مسئول در دولت جمهوری اسلامی مصرانه میخوایم تا به تعهدات خود که طی مقاله نامه های 87 و 98 سازمان جهانی کار متعهد به اجرای آنها شده اند عمل نموده و برای همیشه به فجایعی از این دست پایان

دهند.  
۱- آزادی فوری و بی قید و شرط منصور اسالو و تامین امنیت وی برای فعالیت های سندیکایی  
۲- لغو فوری و بی قید و شرط احکام صادره در باره محمود صالحی و جلال حسینی  
۳- لغو فوری و بی قید و شرط محاکمه جوانمیر مرادی در مورخه 5/9/1385 به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه امسال  
۴- پایان دادن اکید به هرگونه سرکوب اعتراضات کارگری و آزار

## سخنی در مورد متشکل شدن ...

از صفحه ۱

میخواهند به خورد کارگران بدهند و به کارگران بقبولانند که از نظر تاریخی سرمایه داری ایران عقب تر از کشورهای دیگر است، جامعه در نتیجه عقب تر است و کارگران عقب ترند و باید ما در ایران در پس تاریخ "رشد نیروهای مولده" گام برداریم و همان مسیری را که دهه ها و سده های قبل در کشورهای دیگر طی شده مویمو طی کنیم. از این نقطه عزیمت که به زبانهای مختلف بیان میشود، اینها خواب سرمایه داری خوش خیم تر در ایران را می بینند، الگوی اجتماعی شان یک سوسیال دموکراسی نوع ایرانی است، سرمایه داری غربی دهانشان را آب می اندازد و حتی سرمایه داری نوع ترکیه و پاکستان نیز به مذاقشان بد نمی آید. بر این اساس اتحادیه ها و سندیکاهای بوروکراتیک کنونی در غرب را کعبه آمال کارگران تعریف میکنند. اما تاریخ واقعی مبارزه کارگران برای متشکل شدن از امروز شروع نشده و سطوح کنونی تشکلهای ریز و درشت کارگری، تمام واقعیت آنرا بیان نمیکند. بلکه این تشکلهای و انجمنها و محافل موجود بیش از هر چیز بیانگر یک توازن قوای

طبقاتی میان کارگران و طبقه سرمایه دار در ایران میباشند. کارگران ایران به شهادت تاریخ یک قرن گذشته اوضاع سیاسی در ایران، همه نوع تشکل را برپا کرده اند. شوراهای وسیع و پرمایه و رادیکال کارگری یکی از واقعیات پرشور تحرك کارگری در ایران در سالهای اولیه انقلاب ۵۷ را میسازند. تشکلهای متعدد سیاسی و صنفی کارگران و اشکال سندیکایی تشکل را نیز کارگران در ایران حتی در دهه های قبل در اواخر دوره رضا شاه و قبل از آن به عمل در آورده اند. اگر امروز از این تشکلهای چیزی جز یک تاریخ پرشور باقی نمانده، به دلیل جنگ خونین طبقاتی ای است که در ایران جریان دارد و در این جدال طبقه حاکم موفق شده است کارگران را در مقاطعی بطور جدی عقب براند و یک سرمایه داری هار و وحشی با یک رویانی سیاسی بسیار عقب مانده و ارتجاعی را بر جامعه حاکم کند. این جدال همچنان ادامه دارد و آنچه امروز شاهدیم، یعنی موج وسیع اعتصابات و مبارزات کارگری، و جنب و جوش جدی برای متشکل شدن و غیره، در واقع بیانگر سر بلند

کردن دوباره کارگران و گامهایی است که کارگران به پیش برداشته اند. میخوام نتیجه بگیرم که این اساسا توازن قوای طبقاتی است که میدان عمل کارگران برای متشکل شدن را تعیین میکند. و سطوح تشکل کنونی میتواند شاخصی برای این توازن قوای طبقاتی باشد نه سطح درک و فرهنگ کارگران و رهبران کارگری. تا آنجا که به شفافیت سیاسی و رادیکالیسم جنبش کارگری مربوط میشود، میتوان نشان داد که طبقه کارگر ایران یکی از رادیکالترین و چپ ترین و روشن ترین بخشهای طبقه کارگر در جهان را تشکیل میدهد. بهر رو بگذارید ادامه این بحث را به جای دیگری موکول کنیم و اینجا بر دو نکته اساسی در رابطه با سازمانیابی کارگران تاکید نمایم:

۱- توجه به اهمیت و مبرمیت سازمان و سازمانیابی را باید هرچه بیشتر گسترش داد. در وهله اول خود رهبران و فعالین کارگری باید یک پایه فعالیت خود را مساله تشکل کارگران قرار دهند و در هر مبارزه و اعتراضی روشن باشند که تنها عملی شدن خواستهای مستقیم آن مبارزه نیست که مهم است، بلکه مهمترین اینست که کارگران از این مبارزه تا چه حد متشکل تر بیرون

می آیند و بیشتر به امر تشکل آگاه میشوند. تا چه حد امر تشکل به مشغله و امر توده هرچه وسیع تری از کارگران تبدیل میشود. و جنب و جوش متشکل شدن دامنه و وسعت بیشتری میگیرد.

رهبران کارگری باید توده های وسیع کارگران را متوجه کنند که نفس جنب و جوش برای تشکل، مستقیما بر توازن قوای طبقاتی به نفع کارگران تاثیر میگذارد.

۲- مجمع عمومی و بازهم مجمع عمومی. این بسیار مهم است که توده کارگران در امر تشکل یابی شریک و سهیم شوند. بقا و ادامه کاری و حتی حفظ سلامت سیاسی و رادیکالیسم و غیر بوروکراتیک بودن و ماندن هر تشکل کارگری به این بستگی دارد که تا چه حد به ابزاری برای دخالتگری مستقیم همه کارگران در سرنوشت خویش و در سرنوشت جامعه تبدیل میشود. باید تلاش کرد که هر تشکل کارگری بر مجمع عمومی کارگران متکی باشد. این مهم است که تلاش کنیم که جمع شدن منظم کارگران را در همه جا به یک سنت جا افتاده تبدیل کنیم. یک عامل موثر برای موفقیت در این زمینه اینست که خود کارگران اهمیت جمع شدن و تشکیل مجمع عمومی را برای

زندگی امروز و آینده خود بخوبی درک کنند و بدانند که بطور واقعی بدون حضور کارگران در صحنه نه دستمزدها به موقع پرداخت میشود، نه از شرایط کار انسانی خبری خواهد بود و نه از بیمه و درمان و امثال اینها. باید جنبش مجمع عمومی را گسترده و فعال کرد. این جنبش است که امکان متشکل شدن کارگران به اشکال مختلف را فراهم میکند. و این تشکیل منظم مجمع عمومی است که کارگران را قادر میکند در سرنوشت خویش فعالانه دخالت کنند. علیرغم اینکه ما در اعتصابات و در اوج اعتراضات شاهد برگزاری مجامع عمومی هستیم، اما هنوز بسیاری از کارگران تلاش و مبارزه برای تحمیل برگزاری منظم مجمع عمومی به کارفرمایان را یک امر لوکس می بینند. متشکل شدن و متشکل ماندن کارگران به دخالتگری توده وسیع کارگران در امر تشکل گره خورده است.

امیدواریم که دوستان کارگر در بخشهای برق و تاسیسات تهران نیز تشکل تازه متولد شده خود را بتوانند بر مجمع عمومی کارگران و دخالتگری همه کارگران متکی کنند.

## اطلاعیه انجمن صنفی کارگران برق و تاسیسات غرب تهران

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

اطلاعیه انجمن صنفی کارگران برق و تاسیسات غرب تهران پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد کارگری داشتن تشکیلات صنفی و اجتماعی حق ما کارگران است. تشکل بر قدرت مبارزات طبقاتی کارگران می افزاید. تشکیلاتی که خود کارگران بوجود می آورند میتواند ضامن تحقق یافتن خواسته ها و مطالبات روز کارگران باشد. ایجاد تشکلهایی مانند سندیکا،

اتحادیه، کانونها و انجمن های صنفی و فابریکی آزاد، گامهای نخست مبارزات طبقاتی کارگران هستند و همچنین ایجاد همزمان شوراهای سراسری تشکلهای موجود و در حال تکوین عرصه ای است که باید با تمام توان بکوشیم تا در تعیین سرنوشت خویش و طبقه خود دخالت مستقیم داشته باشیم. ما کارگران معتقدیم فقط با نیروی آگاهی و تشکل میتوانیم از شر این همه ستم، نا برابری و استثمار

## سایت کارگران

www.kagaran.org

## سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

## کارگر کمونیست

را تکثیر کنید و آنرا بدست

دوستان و آشنایان برسانید!

## زنده باد سوسیالیسم

## اخباری از اعتراضات جهانی کارگری

داود رفاهی

۳۷ روز اعتصاب پرشور

کارگران تمیز گر آمریکا با

موفقیت پایان یافت

تعداد ۵۳۰۰ کارگر وابسته به شرکت در هوستن که مسئولیت نظافت دهها ساختمان و مراکز تجاری بزرگ را بر عهده داشتند، با مبارزات متحد و پیگیر خود موفق به تحمیل مطالباتشان به کارفرمایان شدند. خواسته های کارگران افزایش دستمزدها، دریافت بیمه درمانی و ساعات بیشتر کار بود.

تعداد ۱۷۰۰ تن از این کارگران از تاریخ ۲۳ اکتبر دست در اعتصاب بودند. آنها که در "اتحادیه بین المللی کارگران خدمات" متشکل بودند، با اعتصاب و اعتراضات مکرر خود، موفق به دستیابی به تقریباً همه مطالبات مهم خود شدند. در جریان اعتصاب که تا ۲۰ نوامبر ادامه داشت، بارها دست به راهپیمایی و بستن خیابانها

زدند. دهها تن مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفته، دستگیر شدند و در جریان حملات پلیس برای متفرق کردنشان متحمل جراحاتی نیز شدند. ولی آنها که از زحمتکشترین و کمدرآمدترین کارگران در آمریکا هستند، تا رسیدن به خواستههایشان دست از مبارزه نکشیدند. مبارزه کارگران تمیز گر به یک جنبش پرشور همبستگی و اتحاد تبدیل شد. کارگران زیادی از شهرهای مختلف آمریکا بطور مرتب برای ابراز همبستگی به هوستن سفر میکردند و در آکسیونهای آنها شرکت می کردند. در آکسیونی که برای جمع آوری کمک مالی به کارگران اعتصابی و خانواده هایشان ترتیب داده شده بود، مبلغ ۱ میلیون دلار کمک مالی جمع آوری شد. لازم به ذکر است که "اتحادیه بین المللی کارگران خدمات" در ۲۹ شهر آمریکا حدود ۲۲۵۰۰۰ عضو دارد. نمایندگان کارگران لیست دستاوردهایشان را بدین شرح اعلام

کرده اند:

۱) دستمزد کارگران از ۵ دلار و ۱۵ سنت در ساعت، از اول ژانویه ۲۰۰۷ به ۶ دلار و ۲۵ سنت در ساعت، از اول ژانویه ۲۰۰۸ به ۷ دلار و ۲۵ سنت در ساعت و از اول ژانویه ۲۰۰۹ به ۷ دلار و ۷۵ سنت در ساعت افزایش خواهد یافت.

۲) ساعات کار کارگران که در حال حاضر ۴ ساعت در روز است به ۶ ساعت افزایش می یابد.

۳) از اول ژانویه ۲۰۰۹ کارگران با پرداخت مبلغ ۲۰ دلار در ماه (که با معیارهای آمریکا نسبتاً پایین است) از بیمه درمانی برخوردار خواهند بود.

۴) کارگران از ۶ روز تعطیل رسمی در سال با حقوق و همچنین از مرخصی سالیانه با حقوق برخوردار خواهند شد.

یکی از نمایندگان کارگران گفته است: "وقتی به کار برگردم احساس غرور میکنم؛ نه فقط برای خودمان و خانواده هایمان، بلکه برای همه کارگرانی که سخت کار می کنند ولی از درآمد ناچیزی برخوردارند. ما نشان دادیم که چه کارهایی میشود کرد و چه کارهایی باید کرد

تا آمریکا به مکان بهتری برای زندگی تبدیل شود."

لازم به یادآوری است که در زمره کشورهای غربی، آمریکا از کمترین تعداد کارگران متشکل برخوردار است. فعالین کارگری امیدوار هستند که کارگران هر چه بیشتری به متشکل شدن ترغیب خواهند شد و این پیروزی راه را برای رادیکالیسم کارگری هموار خواهد کرد.

اعتصاب کارگران شرکت

اتومبیل سازی فولکس واگن

در بلژیک

بدنبال اعلام شرکت فولکس واگن که بزرگترین شرکت تولید کننده اتومبیل در اروپا است، مبنی بر تعطیل کردن کارخانه های خود در بلژیک، کارگران این کارخانه دست به اعتصاب زدند و کارخانه را به تصرف خود در آوردند. بنا به تصمیم شرکت قرار است تعداد کارگران شرکت که اکنون ۵۳۰۰ نفر است، به ۱۵۰۰ نفر کاهش یابد. یعنی ۳۸۰۰ کارگر از کار بیکار بشوند. بر اساس آخرین خبرها، اتحادیه اروپا گفته است که به کارگرانی که از

کار بیکار می شوند، تلاش می کند در یافتن کار و یا پرداختن کمک هزینه، کمک کند. همچنین نماینده شرکت فولکس واگن گفته است که از سال ۲۰۰۹ یک شرکت تولید کننده یک نوع از اتومبیل Audi تأسیس خواهند کرد و تعدادی از کارگران بیکار شده را به کار باز خواهند گرداند. اما کارگران این وعده ها را پا در هوا میدانند و اعلام کرده اند برای تأمین امنیت شغلی شان به هر کاری دست خواهند زد. آنها گفته اند که مرحله فعلی اعتصاب را حداقل تا ۱۵ دسامبر و یا تا موقعی که پاسخ مشخصی دریافت نکرده اند، ادامه خواهند داد. کارگران روز دوم دسامبر را روز تظاهرات سراسری اعلام کرده اند و از تشکلهای اتحادیه های کارگری در بلژیک و سایر کشورهای اروپایی خواسته اند که در روز ۲ دسامبر همزمان دست به راهپیمایی بزنند. کارگران اعلام کرده اند که مصمم هستند تا رسیدن به خواستشان یعنی مجبور کردن کارفرمایان به ادامه کاری کارخانه به مبارزاتشان ادامه دهند.

۲۶ نوامبر ۲۰۰۶

## اعتصاب در ایران خودرو دیزل و احضار و دستگیری تعدادی از کارگران

طبق گزارشی از کارگران ایران خودرو دیزل، کارگران این کارخانه امروز ۲۵ آبان در اعتراض به مسمومیت غذائی کارگران دست به اعتصاب زدند. تعدادی از کارگران پس از خوردن غذای کارخانه مسموم میشوند و راهی بیمارستان میشوند. مسئولین کارخانه اظهار بی اطلاعی میکنند و توجهی به مساله نمیکنند. کارگران در اعتراض به سهل انگاری مسئولین کارخانه نسبت به سلامتی کارگران، دست به اعتصاب میزنند. بنا به گزارش بدنبال اعتصاب، تعدادی از کارگران معترض توسط مامورین رژیم که ملبس به لباس شخصی بودند

احضار میشوند و تاکنون از سرنوشت تعدادی از آنها خبری در دست نیست. یادآوری کنیم که در مرداد ماه امسال نیز کارگران این کارخانه در اعتراض به کاهش دستمزدها دست به یک اعتصاب یک ماهه زدند. فشار به کارگران و دستگیری و احضار و محکومیت آنها در ماههای اخیر شدت یافته است. تنها راه مقابله با این فشارها گسترش مبارزه و مبارزه متحدانه مراکز کارگری است. کارگران پنج مرکز کارگری در سنجند الگوی مهمی در مقابل طبقه کارگر گذاشتند. الگویی که باید همه جا بکار گرفته

پایه ای کارگران قاطعانه حمایت کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶، ۴ آذرماه ۱۳۸۵

### تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت

تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Frequency: 11494 MHz  
Symbol Rate: 17469  
FEC: 3/4  
Vertical

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!



## اعتراض به بی حقوقی و برگزاری مراسم اول ماه مه حق مسلم کارگران است

(مصاحبه با جوانمیر مرادی رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه)

برگرفته از سایت شورا

جوانمیر مرادی رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه را به دلیل شرکت در راهپیمایی روز اول ماه مه امسال، جهت محاکمه در روز پنجم دی ماه احضار کرده اند. به همین دلیل و در راستای اعتراض به احضار جوانمیر به سراغ ایشان رفتیم تا جزئیات بیشتری را از بازداشت وی و علل آن در اختیار افکار عمومی قرار بدهیم. این مصاحبه را در حالی انجام دادیم که وی به دلیل اخراج از کارش در پتروشیمی کرمانشاه، بناچار در جنوب مشغول بکار شده و برای چند روزی جهت دیدار همسر و فرزندانش به مرخصی آمده بود. در همین مرخصی بود که حکم احضار جوانمیر برای محاکمه در روز پنجم دی ماه به وی ابلاغ شد.

شورا: شما حدود دو ماه پیش و پس از دو روز بازداشت و صدور قرار وثیقه هفت میلیون تومانی آزاد شدید، اخیراً شما را جهت محاکمه احضار کرده اند، قبل از هر چیز خواهشمندم برای آگاهی بیشتر بینندگان سایت شورا از نحوه بازداشت خودتان و دلایل آن برایمان حرف بزنید؟

جوانمیر: حدود دو ماه پیش دو نفر لباس شخصی به درب منزل آمدند و از من خواستند روز بعد ساعت ۸ صبح خودم را به اداره اماکن کرمانشاه معرفی کنم. همسر و فرزندم خیلی نگران شدند، آنان مرتباً سوال میکردند چه اتفاقی افتاده که شما را به اداره اماکن که ظاهراً به امور اخلاقی رسیدگی میکند احضار کرده اند. خود من هم علیرغم اینکه که از موضوع اطلاع نداشتم و نگران بودم با اینحال تلاش کردم تا آنان را از نگرانی در بیاورم. روز بعد به همراه همسر و فرزندم به اداره اماکن رفتیم و پس از پرس و جو در آنجا اطایقی را به ما نشان دادند که همان دو نفری که مرا احضار کرده بودند آنجا حضور داشتند. وقتی از علت احضار خودم به اداره

اماکن سوال کردم گفتند اینجا اماکن نیست و اطلاعات است و از شما به دلیل راهپیمایی روز جهانی کارگر شکایت شده است. سپس همسر و فرزندم را مجبور کردند تا از اطاق بیرون بروند، پس از آن شروع به بازجویی کردند. بعد هم به شعبه هفت بازپرسی دادگاه انقلاب فرستادند و سر انجام به اتهام شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر و ایجاد اخلاص در نظم عمومی با قرار وثیقه هفت میلیون ری آزاد شدم.

شورا: شما به جرم شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر بازداشت شده اید، راهپیمایی در کجا و چگونه بود؟

جوانمیر: راهپیمایی با فراخوان انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در مرکز شهر کرمانشاه، در خیابان مدرس، به مدت دو ساعت انجام گرفت.

شورا: شما گفتید به جرم شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر و ایجاد اخلاص در نظم عمومی محاکمه شدید، آیا اخلاص و آشوبی در کار بود.

جوانمیر: به نظر من اگر حرکت و اقدامی که ما در روز جهانی کارگر کردیم اخلاص و آشوبگری نام بگیرد و ما به عنوان اخلاص گر معرفی شویم باید همه کارگران، معلمان، پرستاران و همه انسانهایی که از داشتن یک زندگی انسانی محرومند به جرم اخلاص گری بازداشت و محاکمه بشوند. ما کوچکترین اخلاصی بوجود نیاوردیم، حتی باعث ایجاد اندک ترافیکی نیز نشدیم، با وجودی که ما به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی حق داریم مانند هم طبقه ای هایمان در سراسر دنیا، در روز اول ماه خیابانها را مال خودمان بکنیم و شهر را به تعطیلی بکشیم، در مدت و طول راهپیمایی فقط دو پلاکاره را با خود حمل کردیم، که روی یکی از آنها، زنده باد یازده اردیبهشت روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و روی دیگری، ما خواهان حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان در

ماه هستیم، نوشته شده بود که خود نیروهای امنیتی از لحظه شروع تا پایان راهپیمایی از آن فیلمبرداری کردند. اتفاقاً یکی از مستندات جرم من که ضمیمه پرونده ام کرده اند عکسی از من است که در کنار یکی از پلاکاره‌ها ایستاده ام. این عکس توسط دوربین نیروهای امنیتی گرفته شده بود.

سایت شورا: شما گفتید اگر شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر اخلاص و آشوب گری محسوب میشود باید همه کارگران و همه انسانهای حقوق بگیر که فاقد امکانات لازم برای یک زندگی انسانی هستند دستگیر شوند، در این رابطه کمی بیشتر توضیح دهید؟

جوانمیر: قصد ما از شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر بیان مشکلات و طرح مطالباتمان بود، ما اعلام کردیم که این زندگی شایسته ما نیست، از آنجا که تمام امکانات رفاهی و نعمات موجود حاصل کار ماست، حق داریم که از همه آن نعمات نیز برخوردار شویم. اما در قدم اول طرح مطالبات فوری مانند: رفع بیکاری، گرسنگی و فراهم شدن حداقلی از امکانات برای یک زندگی بخور و نمیر که در حال حاضر به نظر من سقف ماهیانه آن ۵۰۰ هزار تومان است را موضوع قرار دادیم. این خواست همه مزد بگیران دیگر نیز هست همانطور که ما ضروریات و حرف دلمان را اعلام کردیم آنها هم، همان را میخواهند بنابراین همه آنان نیز مانند ما هستند و با وضعیتی که امروزه در ایران رایج است همه آنها نیز باید زندانی شوند.

شورا: شما معتقدید که حرف شما حرف همه آن انسانهایی است که اشاره کردید و خواستتان خواست آنهاست، در روز راهپیمایی چند نفر در آن شرکت داشتند؟

جوانمیر: ۳۰ نفر شورا: چرا فقط سی نفر

جوانمیر: ببینید من به جرم شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر بازداشت و محاکمه شدم. به این ترتیب، کارگری که از قبل میدانند و تجربه دارد که با بیان مطالباتش و شرکت در اعتراضات به خاطر پایمال شدن حقوقش، چه سرنوشتی در انتظارش است، موضوع کمی بیشتر روشن میشود. مطمئناً شرکت نکردن وسیع کارگران در راهپیمایی روز جهانی کارگر به خاطر بی ربط بودن خواست آنها و عدم همدلی شان با ما نبود، بلکه ترس از سرکوب و زندان اولین دلیل و ترس از اخراج از کار، دومین دلیل عدم شرکت آنها در چنین مراسم و اعتراضاتی است.

طبق آمار دولتی بیش از ۱۳ درصد از کارگران ایران بیکارند، آیا این تعداد آدم به همراه خانواده هایشان که سر به میلیونها نفر میزنند از وضعیتی که دارند، از فقر، سوء تغذیه، بی مسکنی، بی بهداشتی، و غیره که زندگی شان را به جهنمی تبدیل کرده است راضی اند؟ یعنی اینها از نظامی که این درجه از بی حقوقی را برایشان تحمیل کرده ممنون و سپاسگزارند و خواهان تداوم آن هستند؟ آیا کارگرانی که ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان حقوق میگیرند و حتی این مبلغ نا چیز را در مواردی بمدت دو سال دریافت نمیکند، شکر گذار وضعیتشان هستند؟ مطمئناً نه، اینها از همان جنس آدمهایی هستند که در خاتون آباد به خاطر اعتراض به اخراج و بیکاری به گلوله بسته شده و جان باختند، هم دل و هم سرنوشت کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، نساچیهای شاهر، کردستان، پریس، کاشان، البرز و شرکت ایران خودرو و ... هستند که بخاطر دفاع از حقوقشان از اطلاعات و زندان سر در آوردند. خود من قبل از بازداشت به خاطر شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر، دو هفته بعد از ۱۱ اردیبهشت ماه، از کار اخراج شدم.

شورا: معمولاً در هر راهپیمایی یا مراسم، جمعهای میروند از فرماندارها و ارگانهای مسول دیگر مجوز میگیرند، آیا شما هم چنین مجوزی داشتید؟

جوانمیر: شما گفتید که جمعها برای برگزاری مراسمشان مجوز میگیرند، اما ما جمعها یا جمعهای نیستیم، ما یک طبقه بزرگ هستیم که اکثریت انسانها را در سراسر جهان تشکیل میدهم. بنابراین اگر طبق مفهوم ظاهری دموکراسی سرمایه داری، تصمیم مطابق با رای و خواست اکثریت انسانهاست، از آنجا که طبقه کارگر در جهان بطور کلی و در هر کشور اکثریت مردم را تشکیل میدهند نه تنها نیازی به اخذ مجوز از هیچ کسی ندارند، بلکه حق دارند هر گونه که خودشان تشخیص میدهند ابراز وجود کنند. از همه اینها گذشته ما بر چه اساسی باید برویم و مجوز بگیریم، برویم و بخواهیم تا به ما اجازه دهند که بگوئیم حقوقمان را بپزداید، اجازه بدهند تا بگوئیم اخراجمان نکنید اخذ مجوز یعنی همین.

شورا: شما گفتید با وثیقه هفت میلیون تومانی آزاد شدید و خودتان معتقد هستید که جرمی مرتکب نشده اید در این مورد کمی بیشتر توضیح بدهید؟

جوانمیر: اطلاعات و دستگاه قضایی برای ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران و بویژه کارگرانی که به راحتی زیر بار تضییع حقوقشان نمیروند، آنان را احضار و بازداشت و بازجویی و محاکمه میکنند تا از بروز اعتراضات کارگری جلوگیری کنند. در حالیکه آنان بر اساس هیچ معیار بین المللی و انسانی مرتکب هیچگونه جرمی نشده اند. از اینرو دستگاههای قضایی اگر بخواهند آن معیارها را اساس قضاوت قرار خود قرار بدهند باید بدون هیچ قید و شرطی آنها را آزاد بکنند و

## کارگران ایران خودرو و احکام صادره علیه فعالین کارگری را محکوم کرده و خواهان لغو فوری آن شدند

و سنج و ماهشهر و دهها شهر دیگر برای گرفتن حقوق خود مقابل مجلس جمع شده اند و هیچ کسی پاسخگوی آنها نمی باشد صدور احکام بر علیه فعالین کارگری که حاضر نیستند تن به هر کاری بدهند چه معنایی غیر از ضدیت با خواست کارگران دارد.

ما کارگران ایران خودرو این احکام صادره علیه کارگران شهر سقز را محکوم کرده و از همه دوستان کارگر می خواهیم در هر جا که هستند علیه این احکام صادره اعتراض کنند و از قاضی صادر کننده احکام می خواهیم که به خاطر توهین به طبقه کارگر به خاطر صدور این احکام واهی از کارگران ایران معذرت خواهی کند و به جای صدور زندان بر علیه کارگران به فریاد هزاران کارگر برسد که چندین ماه است حقوق دریافت نکرده اند.

زنده باد همبستگی کارگران  
جمعی از کارگران ایران خودرو ۲۲ آبان ۸۵

باز نگشته اند. در حالیکه در اثر نا امنی محیط کار دهها نفر از دوستان ما جان خود را از دست داده اند و دهها نفر قطع عضو شده و در کنج خانه افتاده اند در حالیکه هیچکسی و هیچ قاضی به فریاد کارگران نساجی ها و غیره که هر روز تعطیل و کارگران خود را اخراج می کنند نمی رسند. در حالیکه شرکتهای پیمانکاری هر روز به حقوق ما کارگران تجاوز کرده و حتی حقوق قانونی وزارت کار را به ما نمی پردازند

در حالیکه و هنوز مسله قرار دادهای موقت به قوت خود باقی است و شرکتهای دولتی همچون شرکت ما با تحمیل قراردادهای موقت در کارهای دائم ما را برده وار استثمار می کنند...

در حالیکه اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دارن و اعتراض کارگران علیه اصلاح آن در جلو مجلس ادامه دارد زمانی که کارگران قزوین و کاشان

ما شاهد هستیم در اکثر واحدهای کارگری کارگران را وادار می کنند که در این روز در سر کار حاضر شوند.

دولت ایران حاضر نیست این روز را به عنوان روز کارگری بپذیرد برای همین است از شرکت کارگران در این روز جلوگیری کرده فقط مجوز راهپیمایی را به تشکل خاص دولتی آن هم در جاهای دور از دسترس کارگران و آن هم نه بخاطر مطرح کردن مطالبات کارگران ویا نه برای گرامی داشت روز کارگر بلکه به خاطر ابزاری برای نشان دادن حضور کارگران می دهد.

در حالیکه کارگران ایران هر روز شاهد تجاوز به حقوق خودشان هستند در حالیکه هزاران کارگر ماهها حقوق دریافت نکرده اند در حالیکه روزانه در شرکت ما دهها کارگر اخراج می شوند و هنوز کارگران شرکت کننده در اعتصاب اسفند ماه سال گذ شته و کارگران اخراجی شرکت واحد به سرکار

کرده و عده ای از کارگران شرکت کننده در این مراسم را دستگیر کرده بودند به جایی معذرت خواهی از کارگران بعد از حدود چند سال امروز حکم زندان برای آنها اعلام کرده اند

همکاران گرامی و دوستان کارگر اول ماه مه روز جهانی کارگر است در این روز کارگران حق دارند که یاد کارگران کشته شده در شهر شیکاگو را گرامی بدارند این روز روز جهانی کارگران است همه کارگران سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و کارگران ایران نیز حق دارند در این روز در مراسم های مستقل خود جدا از تشکلهای دولتی شرکت کرده و مطالبات خود را مطرح کنند در تقویم ایران نیز این روز روز رسمی برای کارگران است. ولی متأسفانه علیرغم تعطیلی این روز سرمایه دارن ایران حاضر نشده اند این روز را به عنوان روز تعطیلی بپذیرند و

همکاران گرامی و دوستان کارگر

مدعیون حمایت از مستضعفان یکبار دیگر نیت خود را در مقابل کارگران ایران نشان دادند آنها یکبار دیگر برای همبستگی با سرمایه داران و برای جلوگیری از هرگونه تشکل و هر گونه اعتراض و اعتصاب که حق مسلم کارگران است دست به کار شده و شدید ترین احکام را علیه کارگرانی که در مراسم روز اول ماه مه که به جرم شرکت در گرامی داشت مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز دستگیر شده بودند صادر کردند

دوستان و همکاران گرامی

کارگران حق دارند روز جهانی کارگر را گرامی بدارند هیچ کسی حق ندارد مانع شرکت کارگران در گرامی داشت روز جهانی کارگر شود مسولان انتظامی و قضائی که در سال ۸۳ به مراسم روز کارگر حمله

## مصاحبه با جوانمیر مرادی ۰۰۰ از صفحه ۱۰

اقدامات شیوه ای است برای منکوب کردن همه کارگران و واکنسی است برای محافظت از سرمایه داری در مقابل اعتراضات رو به گسترش کارگری. افراد را ابتدا بازداشت و تحت فشار اعتراضات کارگری مجبور میشوند آزادشان کنند. اما با اینحال نمیخواهند ذهن فعالین از کابوس زندان و محاکمه خلاص شود و نبض اعتراضات کارگری

حتی بازداشت شدگان حق دارند نسبت به بازداشت و تعقیبشان شاکی شوند و خواهان جبران خسارت ناشی از آن توسط عوامل بازداشت بشوند. اما در ایران احضار، بازداشت و محاکمه رهبران و فعالین کارگری به خاطر ارتکاب به جرمی نیست، چون چیزی غیر از حقوق طبقاتی خود و همکارانشان را نخواستند، بلکه این

همه کارگران میدانم نه تنها نسبت به اعتراضات کارگری بی تفاوت نخواهم بود بلکه با تمام توانم در آنها شرکت خواهم کرد. برگزاری مراسم روز جهانی کارگر نمادی جهانی از اعتراض به نظام سرمایه داریست. بنا بر این شرکت خواهم کرد.

شورا: از شرکت شما در این مصاحبه ممنونیم.

جوانمیر: من هم از شما تشکر میکنم. (سایت شورا ۲۹ آبان ۸۵)

ارگان و دستگاهی که او را بازداشت کرده، پاسخگو باشد.

شورا: حال که وثیقه گذاشته اید تا آزاد شوید و شما را برای محاکمه احضار کرده اند اگر اعتراضی حول مطالبات کارگری صورت بگیرد چه عکس العملی نشان میدهید، آیا متفعل و بی تفاوت خواهید بود، یا اگر دوباره مراسمی در خیابان برگزار شود در آن شرکت میکنید؟

جوانمیر: بر اساس همان اعتقادی که اعتراض به بی حقوقی را حق خود و

براحتی بزنند، اگر غیر از این بود و همین رهبران و فعالان کارگری جرمی مرتکب میشدند به هیچ عنوان و با قرار وثیقه آزاد نمیشدند. من بر این باورم که کارگران ایران باید به این شیوه سرکوب اعتراض کنند و پایان دادن به آنرا در راس مطالبات خود قرار دهند و خواهان آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان بشوند. کسی که مرتکب جرمی نشده است و بازداشت میشود نه تنها نباید هیچ وثیقه ای در قبال آزادیش از او گرفته شود بلکه باید

## در برابر تشدید سیاستهای ضد کارگری جاری در صفوفی متحدانه به میدان بیاییم

سایت شورا ۲۶ آبان ۸۵

کارگری بیش از همیشه در صفوفی متحدانه به میدان آمد، این ضرورت بقا و دستیابی ما کارگران به یک زندگی انسانی در دل جهنمی است که نظام سرمایه داری بر ما و خانواده هایمان تحمیل کرده است.

کارگران مبارزه برای لغو فوری محاکمه جوانمیر مرادی و لغو احکام سایر فعالین کارگری را به میدانی برای فشرده تر کردن صفوفمان و پیکاری متحدانه جهت به شکست کشاندن سیاستهای ضد کارگری موجود تبدیل کنیم.

کارفرمایان را برای تحمیل برده وارتترین شرایط بر کارگران بیش از پیش باز بگذارد تا بدین ترتیب هیولای سرمایه در ایران قادر شود حیات خود را به بهای تشدید فقر و گرسنگی میلیونها انسان تداوم بخشد.

در برابر تشدید سیاستهای ضد کارگری جاری، باید برای لغو فوری محاکمه جوانمیر مرادی، لغو احکام محمود صالحی و جلال حسینی و پایان دادن به هر گونه آزار و اذیت رهبران و فعالین

انسانی ما کارگران دارد، سرمایه داری ایران بدنبال آن است تا با بی رحمی و شقاوت هر چه فزون تری، بحران اقتصادی خود را بر دوش ما کارگران سرریز کند.

گسترش آزار و اذیت رهبران و فعالین کارگری برای به کرسی نشاندن بی سر و صدای سیاستهایی است که قرار است بدنبال اخراج دویست هزار کارگر در شش ماهه اول امسال و تلاش برای تصویب قوانینی در مجلس، دست

به همین اتهام بازداشت و با قرار وثیقه هفت میلیون تومانی آزاد شده بود.

کارگران

تداوم و شدت یابی تعرض به فعالین کارگری در کنار تعرض هر روزه به زندگی و معیشت کارگران و اوج گیری سرکوب هرگونه فریاد حق طلبی آنان در مراکز معترض کارگری در طی ماهها و روزهای گذشته، نشان از سیاستی سازماندهی شده برای تجاوز هر چه بیشتر به پیش پا افتاده ترین حقوق

جوانمیر مرادی رییس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و یکی از رهبران کارگری در این شهر جهت محاکمه به دادگاه شعبه ۱۰۹ جزایی کرمانشاه احضار شد. طبق این احضاریه جوانمیر مرادی در مورخه ۵ آذر ۸۵ به اتهام شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در شهر کرمانشاه به محاکمه کشیده خواهد شد. وی قبل از این، از کار خود در پتروشیمی کرمانشاه اخراج و در هیجدهم شهریور ماه امسال

## تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه نساجی شاهو در سنندج

دنبال سر دواندن کارگران شاهو توسط اداره کل تامین اجتماعی سنندج و اداره کار در هفته گذشته، این کارگران در روزهای ۲۷ و ۲۸ آبان نیز در اداره کل تامین اجتماعی و اداره کار سنندج تجمع کردند و مطالبات خود را پیگیری نمودند. در نتیجه این پیگیریها از طرف کارگران برای دریافت مدت پنج ماه از بیمه بیکاریشان، اداره کل تامین اجتماعی سنندج به کارگران اعلام نمود که بیمه بیکاری آنان از تاریخ اول مهر ماه قابل پرداخت است. به این ترتیب اداره کل تامین اجتماعی سنندج از پرداخت بیمه بیکاری ماههای تیر، مرداد و شهریور ماه این کارگران خودداری کرده و از طرفی کارفرما نیز از پرداخت دستمزد کارگران شاهو در این ماهها امتناع می ورزد. بنا به گزارش هر کدام از این کارگران بین

چهارصد الی یک میلیون تومان از کارفرما و اداره کل تامین اجتماعی سنندج طلب دارند. در این حرکت اعتراضی کارفرما اعلام نموده که حاضر است علی الحساب به هر کدام يك از این کارگران بابت مطالباتشان، یکصد هزار تومان پرداخت کند، از طرفی اداره کل تامین اجتماعی سنندج نیز به کارگران اعلام کرده است برای روشن شدن تکلیف سه ماه از بیمه بیکاری آنها ۴۵ روز وقت لازم است. این در حالیست که این کارگران که تعداد آنان ۵۰ نفر است ماههاست که هیچگونه دستمزد و یا بیمه بیکاری دریافت نکرده اند. در پی این وضعیت و سر دواندن مداوم کارگران شاهو توسط اداره کل تامین اجتماعی سنندج و کارفرما، کارگران اعلام کردند که روز ۲۹ آبان ساعت ۱۰ صبح در محل کارخانه

تجمع کرده و اگر تا این ساعت اداره کل تامین اجتماعی سنندج و کارفرما مطالبات آنان را نپردازند به همراه خانواده هایشان به طرف استانداردی کردستان دست به راهپیمایی خواهند زد. روز ۲۹ آبان ۵۰ نفر از کارگران شاهو طبق اعلام قبلی از ساعت ۸ صبح در محل کارخانه شاهو دست به تجمع زدند. این کارگران در پی عدم پرداخت پنج ماه از بیمه بیکاریشان از هفته گذشته در مقابل اداره کل تامین اجتماعی و اداره کار سنندج دست به تجمع زده و خواهان پرداخت بیمه بیکاریشان بودند، اما ادارات فوق و کارفرما از پرداخت بیمه بیکاری تیر، مرداد و شهریور ماه آنان خودداری کرده و از هفته گذشته آنان را سر میدواندند، به همین دلیل کارگران شاهو دیروز اعلام کردند چنانچه تا ساعت ۱۰

صبح روز ۲۹ آبان به خواسته های آنان رسیدگی نشود به همراه خانواده هایشان به طرف استانداردی کردستان دست به راهپیمایی خواهند زد. در این روز پس از تجمع کارگران شاهو در محل کارخانه مدیر و مسئول مالی کارخانه و نماینده اداره کل تامین اجتماعی کردستان با آنان وارد مذاکره شدند و طی توافقی که بین طرفین بعمل آمد، قرار شد صبح روز ۳۰ آبان اداره کل تامین اجتماعی سنندج دو ماه از بیمه بیکاری کارگران را پرداخت نماید. روز ۲۹ آبان فیش این پرداخت صادر شد. همچنین کارفرمای کارخانه شاهو متعهد شد تا روشن شدن تکلیف سه ماه باقیمانده بیمه بیکاری کارگران در شورای عالی کار، یکم آذر ماه علی الحساب مبلغی را به کارگران پرداخت نماید. طی این تجمع همچنین کارگران مجمع عمومی خود را برگزار کرده و نماینده های خود را برای پیگیری

مطالباتشان انتخاب کردند. اسامی نماینده های کارگران شاهو که امروز از طرف کارگران انتخاب شدند به شرح زیر است. ۱- هادی احمدی ۲- خالد سواری ۳- فریدون پالیزی ۴- صبا ساعدی فر تجمع کارگران به دنبال توافقات حاصل شده و برگزاری مجمع عمومی در ساعت ۱۲ ظهر پایان پذیرفت. سایت شورا ضمن اعلام حمایت از کارگران شاهو گزارش میدهد که مدت نزدیک به دو سال است که در حالت بلا تکلیفی بسر میبرند، این کارگران در طی دو سال گذشته برای دریافت مطالباتشان ناچار شده اند با قرض و بدهی، بارها تهران تا سنندج را زیر پا بگذارند. آنان پس از سالها تولید ثروت و در آستانه سن کهنوت، با تنی خسته و رنجور، اینک در تقلا برای زنده ماندن خود و خانواده هایشان باید هر روزه از این اداره به آن اداره پاس کاری شوند.

## اطلاعیه سندیکای شرکت اتوبوسرانی واحد در مورد دستگیری منصور اسانلو

با سلام به عموم کارگران، هم میهنان گرامی و همه عدالت خواهان و آزادگان جهان احتراماً به آگاهی میرساند: آقای منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخه ۲۸ آبان به هنگام مراجعه به اداره کار در خیابان گلبرگ، چهار راه رشید در یک رفتار نامتعارف، همراه خشونت و ضرب و شتم در وسط خیابان توسط ماموران عملیات بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات بدون رعایت موارد قانونی و حقوق شهروندی بازداشت گردید. نامبرده در تاریخ ۲۴ آبان از ناحیه چشم تحت عمل جراحی قرار گرفته و هنگام دستگیری چشم ایشان پانسمن بوده است. آقای منصور اسانلو به هنگام دستگیری خواستار رعایت موارد قانونی، حقوقی شده و از همراهان خود طلب کمک مینمود که ابراهیم مددی از طرف ماموران مورد ضرب و شتم واقع شده و یکی از ماموران عملیات با کلت خود نامبرده را مورد تهدید قرار داده و اقدام به شلیک تیرهایی نموده و از سوئی دیگر منصور اسانلو توسط ۸ نفر از ماموران با سه اتوموبیل از محل به سرعت دور و به نقطه نامعلومی برده میشود. با توجه به اینکه منصور اسانلو با

بنا به گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (آی ان دی) در مجتمع پتروشیمی کارون، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر از روز اول آذرماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای آنها بود. کارگران اعلام کردند تا رسیدن به خواست خود به سر کارشان برنخواهند گشت. کارگران با پافشاری بر خواست خود پس از سه روز اعتصاب کارفرما را مجبور کردند دستمزد ماههای

تحمیل نزدیک به هشت ماه بازداشت در بازداشتگاه ۲۰۹ اوین با قرار ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد و به همراه ۱۶ تن از همکارانش منتظر محاکمه در شعبه ۱۴ دادسرای انقلاب به سر میبرند، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نسبت به اینگونه رفتارهای قانون شکنانه و نقض حقوق شهروندی اعتراض شدید خود را اعلام نموده و از کلیه مسئولان کشوری میخواستیم هر چه زودتر شرایط آزادی منصور اسانلو را فراهم نمایند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲۹ آبان ۸۵

## اعتصاب کارگران پتروشیمی کارون با موفقیت پایان یافت

مرداد و شهریور را پرداخت کند و بدینترتیب روز سوم آذر به اعتصاب پایان دادند و کار را از سر گرفتند. کارگران تهدید کردند چنانچه باز هم با سیاست عدم پرداخت دستمزد مواجه شوند دست به اعتصاب خواهند زد. موفقیت کارگران روحیه همبستگی و اتحاد را در میان آنان تقویت کرده و انعکاس وسیعی در میان سایر کارگران شاغل در مجتمع پتروشیمی کارون و سایر مجتمع های منطقه داشته است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶، ۴ آذرماه ۱۳۸۶

سایت روزنه

www.rowzane.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## منصور اسانلو دستگیر شد

### منصور اسانلو باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود

صبح روز یکشنبه ۲۸ آبان ساعت هشت صبح لباس شخصی ها به منصور اسانلو و ابراهیم مددی از مسئولین سندیکای شرکت واحد در منطقه دره‌دشت نارمک حمله کردند، ابراهیم مددی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و منصور اسانلو را با خود بردند.

روز ۵ آذر (۲۶ نوامبر) منصور اسانلو، رییس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی جهت انجام تحقیقات از زندان اوین به شعبه ۱۴ بازپرسی دادسرای انقلاب تهران منتقل شد و در جلسه بازپرسی شرکت کرد. او روز ۲۸ آبان بازداشت شد و با قرار بازداشت موقت روانه زندان اوین شد. بنا به گزارش به گفته مقامات قضایی بازداشت منصور اسانلو به دلیل عدم حضور او در دادگاه بوده است.

در این رابطه پرویز خورشیدی و یوسف مولایی وکلای منصور اسانلو در رد سخنان وزیر دادگستری و سخنگوی قوه قضائیه در مورد بازداشت وی در روزنامه اعتماد ملی، مطلبی نوشته و بازداشت منصور اسانلو را به دلیل بی‌توجهی به حکم جلب و عدم حضور در شعبه دادگان را غیر قانونی اعلام کرده اند. بنا به گفته وکلای منصور اسانلو، وی قبلاً به قید وثیقه از زندان آزاد شده و ظاهراً تحت تأمین مقامات قضایی بوده است و دلیل احضار او مشخص نیست. بعلاوه صرف عدم حضور به شعبه دادگاه دلیلی بر حکم جلب و بازداشت کسی نمیتواند باشد.

منصور اسانلو قبلاً نیز در روز ۱ دی ۸۴ دستگیر و هفت ماه در زندان بود و بعد از یک کمپین فشرده بین‌المللی در با سپردن وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی در ۱۸ مرداد ماه از

زندان آزاد گردید. دستگیری منصور اسانلو انعکاس وسیعی در سطح اتحادیه‌های کارگری در سطح بین‌المللی داشته است. کمیته همبستگی بین‌المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران در این رابطه نامه اعتراضی به نهادهای بین‌المللی نوشته و خواهان اقدام اضطراری برای آزادی فوری منصور اسانلو شده است.

#### اعتراض سازمانهای کارگری جهانی به دستگیری اسانلو ادامه دارد

با دستگیری منصور اسانلو و ضرب و شتم مددی از مسئولین سندیکای کارگری شرکت واحد، تعداد دیگری از سازمانهای بزرگ کارگری نیز با ارسال نامه‌هایی به جمهوری اسلامی و سفرای جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف، خواهان آزادی فوری اسانلو و برسمیت شناخته شدن حق اعتصاب و تشکل و پایان دادن به دستگیری و ضرب و شتم فعالین کارگری شدند.

بخش حمل و نقل جاده ای، فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل و نقل در نامه خود به احمدی نژاد که رونوشت آن برای وزیر کار و امور اجتماعی و سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل ارسال شده، خواسته است که اسانلو فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شود و تمامی احکام بر علیه سایر فعالین کارگری نیز بدون قید و شرط و پیگیری مجدد لغو گردند.

اتحادیه کارگران پست کانادا نیز در نامه مشابهی به احمدی نژاد و رونوشت به سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی، کنگره کار کانادا و شبکه جهانی اتحادیه‌ای، خواهان

آزادی فوری و بی‌قید و شرط اسانلو شده است. در این نامه همچنین احکام صادره علیه فعالین اول مه سقز محمود صالحی، جلال حسینی و برهان دیوارگر را مورد اعتراض قرار داده و خواهان لغو تمامی این احکام شده است.

فدراسیون ملی سندیکاهای حمل و نقل فرانسه، ژ.ت. طی نامه ای به احمدی نژاد خواهان آزادی بی‌قید و شرط منصور اسانلو، برسمیت شناختن حق سندیکایی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و بازگرداندن کارگران اخراجی به کار خود شد.

کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی حمل و نقل (ITF) که ۶۸۱ اتحادیه در سراسر جهان عضو آن هستند مجموعاً چهار میلیون و نیم عضو دارد و سندیکای واحد نیز مدتی پیش به آن پیوست، نسبت به دستگیری منصور اسانلو اعلام نگرانی کرد و خواهان آزادی بدون قید و وثیقه وی و به رسمیت شناختن حق تشکیل اتحادیه برای کارگران و سندیکای شرکت واحد گردیدند.

بعلاوه کنفدراسیون کارگران حمل و نقل که در جریان مبارزات کارگران واحد حمایت گرمی از آنها بعمل آورد و همراه با کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد جهانی نقش مهمی در جهانی شدن اعتراض به جمهوری اسلامی ایفا کرد، اکنون با گذاشتن قطعنامه‌ای در سایت خود از همه مردم خواسته است به احمدی نژاد نامه بنویسند و از جمهوری اسلامی بخواهند که منصور اسانلو را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کند و همچنین احکام محکومیت همه فعالین کارگری را بی‌قید و شرط لغو کند. همچنین سایت اینترنتی

بین‌المللی کارگری لیبر استارت در اعتراض به این دستگیری کمپینی بین‌المللی اعلام کرده‌اند.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا به نمایندگی از طرف پانصد هزار عضو (CUPE) در سرتاسر کانادا طی نامه‌ای به احمدی نژاد اعتراض خود را نسبت به دستگیر منصور اسانلو فعالین کارگری در ایرانا و احکام زندان برای فعالین اول مه ۸۳ اعلام داشت و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو و لغو احکام صادره برای فعالین کارگری در ایران شد.

در ایران نیز جمع‌هایی از کارگران پتروشیمی‌های جنوب کشور از جمله: پتروشیمی فن آوران، پتروشیمی فجر، پتروشیمی مازون، پتروشیمی رازی، پتروشیمی بندرامام و طرح پتروشیمی اروند با صدور اطلاعیه‌ای دستگیری اسانلو

را محکوم کردند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او شدند. در این اطلاعیه از کارگران همه مراکز کارگری خواسته شده است به دستگیری و زندانی کردن فعالین و رهبران کارگری اعتراض کنند. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار مکانیک کرمانشاه و نیز سایت شورا نیز با صدور اطلاعیه‌هایی دستگیری اسانلو را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط او شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری بار دیگر دستگیری اسانلو و ضرب و شتم مددی و نیز احکام صادره علیه فعالین اول مه سقز و حکم احضار جوانیر مرادی رئیس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه را شدیداً محکوم میکند و همه مراکز کارگری، دانشجویان و سایر مردم آزادیخواه را به دفاع از مبارزات کارگران و خواسته‌های بحق آنها فرامیخواند.

## از مبارزات و خواسته‌های کارگران شرکت واحد حمایت کنیم

- کارگران شرکت واحد خواهان آزادی فوری منصور اسانلو، از زندان هستند!
- کارگران شرکت واحد خواهان منع هرگونه اذیت و آزار و تعقیب قضایی و اخراج فعالین کارگری و رهبران اعتصابات هستند!
- کارگران شرکت واحد داشتن سندیکا را حق مسلم خود میدانند و خواهان انحلال فوری شوراهای اسلامی هستند!
- کارگران شرکت واحد خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود به کار و پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند!
- کارگران شرکت واحد خواهان تعیین میزان حداقل دستمزد ها توسط نمایندگان منتخب خود کارگران و افزایش فوری حداقل دستمزدها هستند و همه جا بر حداقل ۵۰۰ هزار تومان تأکید گذاشته‌اند!
- کارگران شرکت واحد خواهان انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط نمایندگان منتخب خود هستند!
- مبارزات کارگران شرکت واحد برای تحقق خواسته‌هایشان ادامه دارد!

# زنده باد اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران!